

چکیده

امروزه با فراگیر شدن فرهنگ مصرف‌گرایی و توسعه بازارهای مالی، نقش بانک‌ها در اقتصاد کشور به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است. از این رو، بانک‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی کشور شناخته می‌شوند. با توجه به اهمیت بانک‌ها در اقتصاد، بررسی وضعیت عملکرد آنها و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها، امری ضروری است. در این مقاله، به بررسی عملکرد بانک‌ها در ایران و مقایسه آن با کشورهای توسعه‌یافته پرداخته می‌شود. همچنین، راهکارهایی برای بهبود عملکرد بانک‌ها و افزایش رقابت‌پذیری آنها ارائه می‌گردد.

# نقدی بر الگوی توسعه کلاردشت

کوروش برارپور  
[bararpoor@yahoo.com](mailto:bararpoor@yahoo.com)  
 سیدکیانوش کلانتر  
[skkalantar@yahoo.com](mailto:skkalantar@yahoo.com)



## مقدمه

امروزه ادبیات مدیریت راهبردی توسعه با گذر از توجه صرف به افزایش سرمایه‌های فیزیکی به طور فزاینده‌ای توجه خود را به مدیریت انواع سرمایه‌های تأثیرگذار در فرایند توسعه همچون سرمایه‌های طبیعی (شامل: خدمات، کارکردها، فرایندها و منابع زایش‌پذیر بیولوژیک در کنار منابع زمینی زایش‌ناپذیر نظیر مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی)، سرمایه‌های انسانی (شامل: دانش، مهارت، سلامتی، تغذیه، ایمنی، امنیت و انگیزه انسانها) و سرمایه‌های اجتماعی (شامل: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، تشریک مساعی، برابری فرصتها، آزادی تشکلهای صنفی، نظم) معطوف کرده است. همچنین اتحادیه اروپا (EU, 2000) در پنجمین و ششمین چارچوب برنامه‌ریزی خود برای آینده شهرها اعلام می‌کند: «طی یک دهه گذشته، مفاهیم و منطق توسعه پایدار در جهت‌گیریهای راهبردی توسعه شهری گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است».

اگر چه مفهوم توسعه یا توسعه یافتگی مفهومی عام است و معمولاً با متغیرهای کلان ارتباط دارد، اما مطالعات این پژوهش بر اساس مفاهیم نوین توسعه که در قالب توسعه پایدار محلی مطرح می‌شود، بر منطقه کلاردشت از استان مازندران، به عنوان مطالعه موردی متمرکز است. ریس به نقل از گان می‌گوید: «توسعه پایدار محلی، تغییر اجتماعی - اقتصادی مثبتی است که سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی و اکولوژیک جامعه محلی را تحت تأثیر و تغییر اساسی قرار نمی‌دهد و تحقق موفقیت آمیز آن به فرایندهای منسجم سیاسی، برنامه ریزی، مدیریتی، پایش و یادگیری اجتماعی نیازمند است. همچنین کارایی سیاسی آن به مشارکت فعال ساکنان محلی بستگی دارد که آن، از طریق مساعدت دولت، موسسات اجتماعی و ارتباط بخوبی مدیریت شده همه ذی‌نفعان صورت می‌گیرد».

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به دلیل نا کارآمدی ابزار و ارکان توسعه محلی در کلاردشت، طی ۲۰ سال گذشته عوامل اصلی توسعه یافتگی در جهت

زدایش محیط زیست آن عمل کرده است و نه توسعه پایدار. بعد از رخداد زلزله شمال کشور - با مرکزیت بلده مازندران - در اردیبهشت ۱۳۸۳ و تحولات سیاسی کشور در تیر ۱۳۸۴، سیر فزاینده زدایش تا حدودی فروکش کرده است. (برابریور، ۱۳۸۴)

اگرچه سیر فزاینده زدایشهای یادشده منجر به افزایش نسبی نرخ رشد اقتصادی و یا به عبارت دیگر افزایش نسبی سرمایه‌های فیزیکی در این منطقه شده است اما، کاهش سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی رادر پی داشته است.

این نوشتار پس از تبیین تاریخچه‌ای کوتاه از فرایند توسعه در کلاردشت و مرور پیشینه پژوهش، به بیان مختصری از مبانی علمی مدل‌ها و روش‌شناسی پژوهش و آکاوی نتایج آن می‌پردازد.

## تاریخچه‌ای کوتاه از فرایند توسعه در کلاردشت

اگرچه پروژه توسعه کلاردشت یکی از اولویتهای طرح انقلاب سفید پهلوی دوم به حساب می‌آمد (ابوترابیان، ۱۳۷۱) اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس توصیه یکی از دولت مردان کشورمان به سرمایه‌داران داخلی در اردیبهشت ۱۳۷۰، مبنی بر انتقال سرمایه خود به منطقه کلاردشت به منظور توسعه جاذبه‌های گردشگری آن (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰)، خیل عظیمی از سرمایه‌های آنها به کلاردشت گسیل شد. این در حالی بود که پیش از آن، هیچگونه مطالعه امکان‌سنجی‌ای در خصوص توریستی شدن کلاردشت صورت نگرفته بود! البته صاحبان سرمایه، نه با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری بلکه با نگاه اعیان نشینی به جاذبه‌های گردشگری منطقه و با اهداف سوداگرایانه به خرید و فروش زمینهای مردم کلاردشت که (همچون مردم دیگر نقاط ایران) به تازگی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی دوران انقلاب، جنگ و پس از جنگ را پشت سر گذاشته بودند و در ابتدای دوره گذار قرارداشتند، مبادرت کردند. پیامد ناشی از خرید و فروش زمینهای کشاورزی مردم، تنها در کاهش سرمایه‌های انسانی در آن

منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمینهای منطقه، دینامیکی را ایجاد می‌کرد تا به واسطه آن، مردم برای رسیدن به سهم بیشتری از منافع کوتاه مدت اقتصادی، اقدام به تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی کنند و یا جهت رسیدن به سود اقتصادی بیشتر، به فروش چندباره زمینهای خود بپردازند! و همین امر زمینه‌ساز کاهش شاخصهای سرمایه اجتماعی، همچون: اعتماد متقابل، آرامش، امنیت، تشخص فرهنگی و ... در منطقه شد. البته جذابیت گران شدن زمینهای کلاردشت تنها بین مردم بومی و تازه واردان به منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه در نیمه ۱۳۷۰، با مطرح شدن احداث پروژه آزاد راه تهران - شمال دینامیک‌های دیگری جهت کاهش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت آشکار شد که به موجب آن ۷۰۰ هکتار از بهترین جنگلهای پهن‌برگ کلاردشت بابت پروژه یاد شده به دستگاه‌های دولتی و مجریان پروژه واگذار می‌شد. (ابراهیمی - سازمان جنگلها، ۱۳۷۹)

همچنین در نیمه اول دهه ۱۳۸۰، دینامیک دیگری جهت تخریب جنگلهای پهن‌برگ کلاردشت شکل گرفت که طرح خروج دام از مرتع نام داشت. به موجب این طرح، معادل مراتعی که مالکیت آنها در اختیار دامداران بومی منطقه بود، جنگلهای مشرف به شهر کلاردشت به آنها واگذار و به طور خودگردان، منجر به تغییر کاربری زمینهای یادشده از وضعیت بکر یا کشاورزی به مسکونی می‌شد. (برابریور، الف ۱۳۸۵) این واقعیت تداعی‌کننده اصل انتقال فشار در تئوری سیستم‌ها و یا قانون بقای تخریب، همسان با قانون بقای جرم در علم فیزیک است.

پروژه‌های دیگری که منجر به زدایش سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر (اکولوژیک یا تجدیدپذیر) و زایش‌ناپذیر (مادی یا تجدیدناپذیر) منطقه کلاردشت شد، پروژه استخراج سنگهای تزئینی رودبارک و احداث سد و نیروگاه آبی سیاه بیشه بود. (سلیمان‌پور، ۱۳۸۴)

## مرور پیشینه پژوهش

رویدادهای یادشده، سمت و سوی اولیه

نمودار ۱- دارای همان چهار ناحیه معرفی شده در الگوی گلاوین (برای شناخت دقیق این الگو می توانید به مقاله «الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه، تدبیر ۱۷۸) مراجعه کنید». است و وضعیت منطقه کلاردشت را از منظر پایداری توسعه در سالهای اخیر نشان می دهد. با توجه به این موضوع، ابعاد چهارگانه ای که در محورهای نمودار بررسی می شوند عبارتند از: سرمایه های انسانی و اجتماعی کلاردشت، مصونیت سرمایه های طبیعی کلاردشت (اعم از سرمایه های طبیعی زایش پذیر و زایش ناپذیر)، ثبات محیط کلاردشت و توان بازدارندگی جامعه محلی کلاردشت (در برابر زدایش سرمایه های طبیعی).

در این مرحله معیارها و شاخصهای معرف هر یک از ابعاد چهارگانه، انتخاب شد و در قالب «پرسشنامه جامع اندازه گیری» مورد ارزیابی قرار گرفت. این پرسشنامه بویژه برای کاربرد در کشورهای در حال توسعه طراحی شده است. در این راستا:

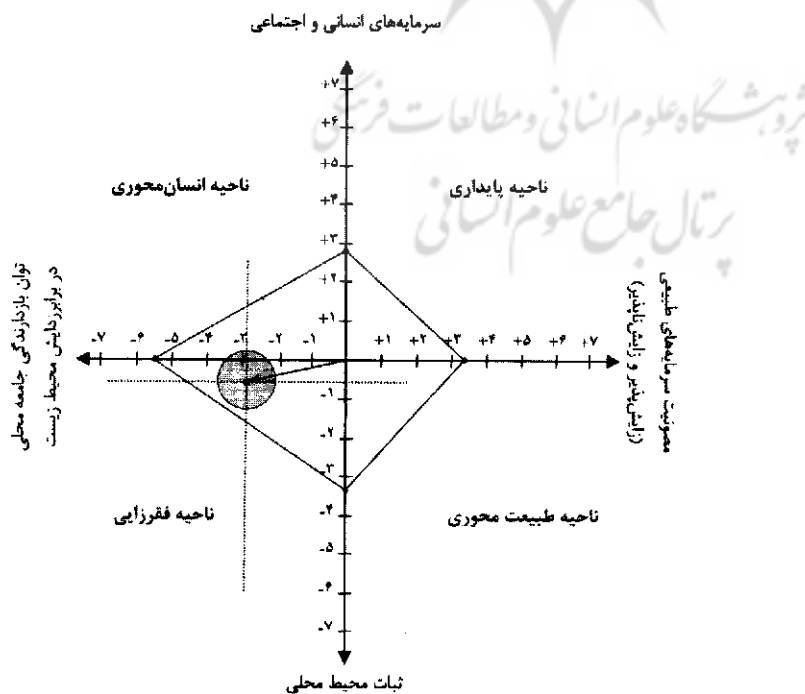
- سرمایه انسانی کلاردشت با

ارزیابی میزان پایداری توسعه در کلاردشت، پیشنهاد سیاستهای مناسب برای انتقال آن جامعه به سمت آینده ای مطلوب نیز هست. برای ترسیم آینده ای مطلوب برای این شهر، حدود ۸۰ شهر از سراسر جهان همراه با مدل ها و الگوهای توسعه آنها که ۵۰ سال آینده را هدف قرار داده است مورد بررسی قرار گرفت. طرح تدوین چشم انداز و استراتژی های ۲۰ ساله آینده کلاردشت، منجر به تصویب طرحی با عنوان: «طرح تحول فراگیر استان مازندران براساس منطق توسعه پایدار» از سوی استاندار مازندران شد که براین اساس کلاردشت به عنوان پایلوت، برای اجرای آزمایشی طرح معرفی شد.

### بومی سازی الگوی راهبردی توسعه پایدار برای منطقه کلاردشت

پژوهش حاضر، کار خود را بر مبنای مفاهیم ارائه شده در الگوی ذخیره خالص تعدیل شده توسط بانک جهانی و الگوی راهبردی گلاوین بنا نهاد.

این پژوهش را که هدف آن سنجش و ارزیابی پایداری توسعه در کلاردشت بود در اوایل ۱۳۷۷ مشخص می کرد که در اواخر ۱۳۸۳ به پیشنهاد شورای شهر کلاردشت منجر به شکل گیری طرحی با عنوان: «تدوین چشم انداز و استراتژی های ۲۰ ساله آینده کلاردشت برای افق ۱۴۰۴، براساس سند چشم انداز ملی» و همچنین سبب تأسیس یک سازمان مردم نهاد (NGO)، با رویکرد ساختارموازی و با نام «بنیاد توسعه پایدار کلاردشت» شد. سازمانهای با ساختار موازی در بخش عمومی، سازمانهایی هستند که با هدف حل مسئله به سازمانهای با ساختار رسمی در بخش دولتی، یاری می رسانند. مبنای علمی این پژوهش مبتنی بر مفاهیم توسعه پایدار و با تکیه بر دانش علوم مدیریت تحول پایه ریزی شده و طی هشت گام وارد فاز اجرا شد که عبارت است از: ورود، آسیب شناسی و عارضه یابی، گردآوری داده، پردازش اطلاعات، ارائه بازخورد اطلاعات عارضه یابی به ذی نفعان طرح، طراحی برنامه های تحول بر اساس منطق توسعه پایدار، رهبری و مدیریت تحول، ارزیابی و نهادینه سازی برنامه های تحول. گردآوری داده های اولیه پژوهش براساس: مشاهده، پرسش نامه و مصاحبه صورت گرفته و برای بررسی اسناد، قوانین، دستورالعمل ها و رویه های اعمال شده برای اداره مدیریت شهری و واگذاری سرمایه های طبیعی به افراد، از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا استفاده شده است. همچنین گردآوری داده های ثانویه نیز بر اساس: مشاهده سایه به سایه، پرسش نامه و مصاحبه صورت گرفته و برای پردازش اطلاعات پژوهش از الگوها و مدل های موجود در حوزه مدیریت تحول و توسعه پایدار استفاده شده است. فرض بنیادی این پژوهش این است که توسعه صورت گرفته در کلاردشت طی ۲۰ سال گذشته، پایدار نبوده و جامعه انسانی و طبیعی کلاردشت از ۳ مسئله کلیدی رنج می برد که عبارتند از: ۱. تخریب محیط زیست ۲. ساخت و سازهای غیرمجاز ۳. رشد ایستای سرمایه های انسانی و اجتماعی. هدف اساسی این پژوهش علاوه بر سنجش و



شکل ۱. نتایج حاصل از ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت براساس چارچوب ولفرد و روش PW (منبع: یافته های پژوهش)

ناپایداری و یا نامتوازن بودن توسعه محلی در کلاردشت است.

اگرچه مرکز ثقل چهار ضلعی یاد شده که از تلاقی برابندی چهار راس آن ایجاد شده، در ناحیه فقرزایی قرار دارد، اما دایره به شعاع واحد و به مرکزیت مرکز ثقل چهار ضلعی، دربرگیرنده ناحیه انسان محوری نیز هست. البته این بدان مفهوم است که حدود ۱۰ درصد از حجم توسعه صورت گرفته در کلاردشت، انسان محور و حدود ۹۰ درصد آن فقرزای عمل کرده است. باید توجه داشت که انسان محور بودن توسعه در کلاردشت به مفهوم گسترش سرمایه‌های فیزیکی است که با کاهش سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و طبیعی همراه بوده است.

خلاصه اینکه نتایج حاصل از مطالعات این پژوهش از ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت حکایت می‌کند. انتساب صفت ناپایداری به توسعه در کلاردشت، برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، به مفهوم تهی‌سازی بازگشت‌پذیر و برای سرمایه‌های زایش‌ناپذیر، به مفهوم تهی‌سازی غیرقابل بازگشت است.

### پیچیدگی پویا در برنامه‌های توسعه‌ای اقتصاد کلان کشور

جان استرن، استاد MIT می‌گوید: علت پیچیدگی یک سیستم، پیچیده بودن اجزای آن نیست بلکه پیچیدگی یک سیستم ریشه در پیچیدگی ارتباط بین اجزای آن دارد. شاید از دیدگاه نظریه پردازان توسعه و مدیران کلان کشورمان، برنامه‌های توسعه اقتصادی، در برگیرنده تمامی جنبه‌های توسعه باشد، اما واقعیت این است که به دلیل نادیده انگاشتن ارتباط منطقی بین ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه با بعد اقتصادی آن، در طول زمان دینامیک‌هایی را ایجاد می‌کند که عوامل اصلی توسعه یافتگی همچون: نیروی انسانی متخصص، علم، نوآوری، سرمایه و ... را در مقابل توسعه قرار می‌دهد. این امر تداعی کننده مفهوم مقاومت در برابر سیاست در نظریه سیستم‌ها نیز هست. مورفی می‌گوید: هر چیزی که ممکن است اشتباه پیش رود، اشتباه پیش می‌رود. اغلب برنامه‌های توسعه

در قالب عبارت‌های: «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نسبتاً مخالفم»، «نه مخالفم و نه موافق»، «نسبتاً موافقم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» خود را نشان می‌داد.

در این مرحله:

۱. در محورهای سرمایه‌های انسانی- اجتماعی و سرمایه طبیعی، به معیارها از +۱ (کاملاً مخالفم) تا +۷ (کاملاً موافقم) نمره داده شد.

۲. در محورهای ثبات محیط محلی و توان بازدارندگی جامعه کلاردشت در برابر زدایش، به متغیرها از ۱- (کاملاً موافقم) تا ۷- (کاملاً مخالفم) امتیاز داده شد.

در ادامه از روش موسوم به وزن‌دهی ترجیحی برای تعدیل نمودار استفاده شد.

### واکاوای نتایج

در شکل ۱، مقیاس (+۷) معرف حداکثر مصونیت برای سرمایه‌های طبیعی و همچنین بیشترین مقدار انباشتگی برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است. اما ملاحظه می‌شود که محاسبات انجام شده، هر دو معیار را کمتر از حد متوسط (۳/۵+)، نشان می‌دهد. از

دیگرسو، مقیاس (-۷) نشان دهنده کمترین توان بازدارندگی جامعه محلی در برابر زدایش محیط زیست و معرف حداقل ثبات محیط محلی می‌باشد. محاسبات انجام شده با استفاده از روش PW، حاکی از آن است که میل دو معیار اخیر در کلاردشت، به سمت حداقل است. به عبارت دیگر، ناموزون بودن فرم ظاهری چهار ضلعی واقع در دستگاه مختصات شکل ۱، مبین

معیارهای «دانش، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و سایر ویژگی‌های محلی که تسهیل‌گر خلق رفاه شخصی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه است» تعریف شد.

● سرمایه اجتماعی نیز در این پژوهش به عنوان «روابط، شبکه‌ها و هنجارهایی تعریف شد که کنش جمعی را تسهیل می‌کند» تعریف گردید.

● در حوزه سرمایه‌های طبیعی از شاخص‌های توصیف شده توسط بانک جهانی برای انجام پژوهش استفاده شد.

● در بررسی بعد ثبات محیط محلی، معیارهای زیر به عنوان عوامل تثبیت یا عدم تثبیت فرایند توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کلاردشت بررسی شد: سازمان‌های جامعه مدنی، تحولات سیاسی- اقتصادی- اجتماعی کلان، توافقات تجاری، حوادث غیر مترقبه، تحولات فناوری و...

### سنجش وضعیت پایداری توسعه در کلاردشت

پس از معرفی و تبیین معیارهای معرف

ابعاد چهارگانه نمودار ارزیابی توسعه پایدار در منطقه کلاردشت، برای ۳۱ نفر از افراد مطلع و خبرگان محلی، با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای نظرات ایشان در مورد این معیارها سنجیده شد. در این مرحله، از چارچوب توسعه داده شده توسط ولفرد (Welford, 1997) برای ارزیابی وضعیت توسعه پایدار الگو گرفته شد. هفت واحد در پرسشنامه‌هایی که به افراد داده شد

**تحقیقات نشان می‌دهند که در منطقه کلاردشت، دو عامل مصونیت برای سرمایه‌های طبیعی و انباشتگی برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، نمره‌ای کمتر از حد متوسط به دست آورده اند.**



اقتصادی کشورمان پس از فاز پیاده‌سازی به گونه‌ای جلوه می‌کند که گویی از پیشینه و پشتوانه کارشناسی قوی، در فاز برنامه‌ریزی برخوردار نبوده است. معمولاً برنامه‌های توسعه‌ای کشور به صورت عام طراحی و قبل از اینکه به صورت آزمایشی در یک یا چند پایلوت اجرا شود به صورت فراگیر و گسترده به کلیه دستگاهها ابلاغ می‌شود که این امر نیز خود زمینه‌های ناپایداری توسعه را در ابعاد خرد و کلان در کشور ایجاد کرده است.

یکی دیگر از علت‌های ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای کشور که ناپایداری توسعه را رقم می‌زند، تعبیرها، تعاریف و یا برداشتهای ناصحیح از مفاهیم اساسی توسط مردم و مسئولان دست‌اندرکار توسعه است. به عنوان مثال اگر به تعاریف ارائه شده برای کلید واژه گردشگری توسط سازمانهای معتبر جهانی مراجعه شود ملاحظه می‌شود که:

جهانگردی یا توریسم به معنی حرکت کوتاه مدت و موقت مردم است به قصد بیرون رفتن از محل یا مکانی که به‌طور عادی و دائم در آن زندگی و کار می‌کند. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) جهانگرد را شخصی می‌داند که خارج از محل اقامت همیشگی خود حداقل برای ۲۴ ساعت در گردش و سیاحت باشد. سازمان جهانی جهانگردی نیز، جهانگرد یا توریست را این‌طور تعریف می‌کند: جهانگرد شخصی است که بیش از ۲۴ ساعت به قصدی غیر از کار، در جایی خارج از محل اصلی زندگی همیشگی خود به‌سر برد. در سالهای اخیر توسعه گردشگری بویژه گردشگری طبیعی (اکوتوریسم) به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد در تجارت جهانی و مؤلفه عمده در بهبود اقتصادی مناطق و کشورها مطرح شده و شتاب مضاعفی یافته است، به‌نحوی که درآمدهای حاصل از این صنعت رشدی سریعتر از درآمدهای حاصل از تولید، فروش و صادرات انواع کالاها و خدمات در برخی از کشورهای گردشگرپذیر داشته است. صنعت گردشگری موجب گسترش انواع خدمات، ایجاد فرصتهای شغلی، توسعه زیرساختها در شهرها و روستاها

می‌شود که در نهایت توسعه انسانی را به همراه می‌آورد. اما در کشور ما به دلیل همسان‌انگاری مفهوم گردشگری طبیعی با مفهوم اعیان‌نشینی، این صنعت پرارزش، ضمن کاهش پایداری توسعه، سبب افزایش موانع و گلوگاههای توسعه محلی، در ابعاد مختلف (در کلاردشت و دیگر نقاط کشور) شده است.

### جمع‌بندی و پیشنهاد

در این مطالعه، پایداری توسعه محلی در کلاردشت مورد ارزیابی علمی قرار گرفت. فرایند ارزیابی طی هفت گام زیر صورت پذیرفت:

۱. شناسایی معیارهای جهانی توسعه پایدار؛  
 ۲. نمونه‌گیری از دستاوردهای توسعه محلی در کلاردشت؛  
 ۳. گردآوری داده؛  
 ۴. صافی‌سازی داده‌ها؛  
 ۵. اندازه‌گیری معیارهای بومی شده در کلاردشت و پردازش اطلاعات؛

۶. پایش نتایج حاصل از توسعه محلی و مقایسه آن با معیارهای معرفی شده برای توسعه پایدار توسط سازمانهای جهانی؛  
 ۷. ارائه راه حل برای کاهش یا حذف شکاف بین توسعه محلی با معیارهای جهانی؛  
 پس از گردآوری، تنظیم و صافی‌سازی داده‌ها مشخص شد که طی ۲۰ سال گذشته پروژه‌های سریالی همچون: خرید زمینهای بومیان کلاردشت توسط ثروتمندان غربی‌بومی، پروژه آزاد راه تهران-شمال، طرح خروج دام از جنگل، طرح واگذاری جنگلها به کارمندان دولت، پروژه استخراج سنگ از معدن بریر در منطقه رودبارک و نهایتاً احداث سد آبی برای نیروگاه سیاه پیشه، سبب کاهش سرمایه‌های زایش‌پذیر طبیعی و موجب زدایش سرمایه‌های زایش‌ناپذیر طبیعی در کلاردشت شده است. همچنین پردازش اطلاعات بازیافت شده از عمل صافی‌سازی داده‌های این پژوهش که نتایج توسعه محلی را در ۲۰ سال گذشته، با معیارهای جهانی توسعه مقایسه کرده است، نشان می‌دهد که توسعه محلی در کلاردشت نه تنها پایدار نبوده بلکه فقرزا و تهی‌ساز

نیز عمل کرده است. در واقع، گسترش سرمایه‌های فیزیکی در این منطقه به قیمت کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و یا زدایش سرمایه‌های طبیعی تمام شده است. مدیران و تصمیم‌سازان کلان کشور بایستی توجه داشته باشند که ابتدا در سنجش و ارزیابی قابلیت اطمینان مدل‌های توسعه‌ای خود حداکثر درایت و حساسیت را به خرج دهند و پس از تست آن در یک یا چند پایلوت مشخص، به نقاط ضعف و قوت آن اشراف پیدا کنند و در جهت رفع موانع موجود تمهیدات لازم را در پیش گیرند.

مدیران و مسئولان محلی و استانی نیز باید توجه داشته باشند که با ارائه مجوزهای غیر کارشناسی شده، منابع ملی و سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی را فدای طرحهایی نکنند که معمولاً با اصطلاحاتی همچون: حفظ محیط زیست، بهره‌برداری اقتصادی از طبیعت، سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی خلط می‌شود. □

### منابع

- ۱- ابراهیمی، محمدرضا، مجموعه مکاتبات سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در پاسخ به اعتراضات مردمی در مورد واگذاری جنگل‌های کلاردشت بابت پروژه آزادراه تهران-شمال، خردادماه ۱۳۷۹.
- ۲- سلیمان‌پور، شجاع (۱۳۸۴) توقف فعالیت شرکت بهره‌برداری از سنگهای تزئینی در کلاردشت، روزنامه ایران، ۲۹ آبان.
- ۳- کامینگر، توماس جی. و کریستوفر جی. وُرنلی (۱۳۸۵) تحول و توسعه سازمان، ترجمه کوروش برارپور، انتشارات ساپکو-فرازاندیش سبز، صص ۵۷۵ و ۷۷۰.

بقیه منابع در دفتر نشریه محفوظ است.

- کورش برارپور: بنیانگذار بنیاد توسعه پایدار کلاردشت
- سیدکیانوش کلاتر: پژوهشگر مرکز مطالعات و آموزش سازمانهای جامعه مدنی ایران - کنشگران داوطلب